

جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

ولی‌الله نقی‌پورفر^۱



چکیده

«خانواده» کوچک‌ترین نهاد اجتماعی است که از نظر اسلام، سلامت و فساد آن، نقش اساسی در سلامت و فساد جامعه و نهادهای سیاسی و سازمان‌های اداری دارد. شکل‌گیری خرده سیستم «اصلاح امر جوانان» در تشکیل خانواده سالم، و خرده سیستم «اصلاح امر بانوان» در نقش متعادل خانوادگی، اجتماعی و اداری‌شان، از شرایط اساسی تشکیل خانواده است. توجه به سرپرستی و مسئولیت اقتصادی مردان و مطالبات و دریافت‌های مالی زنان در امر ازدواج، ضرورت اولویت اشتغال را برای مردان در حوزه ارباب رجوع مرد و یا حوزه عمومی، مطرح می‌نماید. شأن همسری و مادری زنان، دو شغل تکوینی است که تکریم ویژه روانی و اقتصادی را می‌طلبد؛ لذا اشتغال اجتماعی آنان، شغل سوم محسوب می‌شود که ناگزیر ساعات رسمی اشتغال زنان به یک سوم تقلیل می‌یابد تا تعادل میان شئون خانوادگی و اجتماعی اداری زنان پدید آید. در عوض در حوزه خاص زنان (آموزش، تربیت، بهداشت و درمان و...) مشارکت زنان حداقل به سه برابر افزایش خواهد یافت.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه قم، v-naghipoor@qom.ac.ir

۱۱۵ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

جهت‌گیری رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی در نظام آموزشی متوسطه و عالی و میزان پذیرش داوطلب آن، مبتنی بر نقش‌های مکمل زن و مرد در خانواده و اجتماع نیز از دیگر شرایط سلامت خانواده و جامعه است.

واژه‌های کلیدی: نهاد خانواده، سیاست‌گذاری، اداری، اجرایی، نظام، اسلام

مقدمه

به‌طور معمول در مقوله طراحی و برنامه‌ریزی نظام جمهوری اسلامی از چشم‌انداز تا بخشنامه‌های اجرایی، پنج مرتبه از طراحی مطرح است:

- ۱) طراحی چشم‌انداز نظام، منبعت از قانون اساسی و کتاب و سنت معصومین (ع).
- ۲) طراحی سیاست‌های کلی نظام، مبتنی بر چشم‌انداز و قوانین مادر (قانون اساسی و...).
- ۳) طراحی سیستم‌های خط و مشی‌گذار.
- ۴) تدوین قوانین اجرایی.
- ۵) تدوین دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های اجرایی.

از نظر اسلام، یکی از مقولاتی که در طراحی و اجرا نیازمند عنایت ویژه می‌باشد، «نهاد خانواده» است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۵۸ ه/ش و اصلاح شده در ۱۳۶۸، به یکسان بر اهمیت جایگاه نهاد خانواده، و نقش ویژه و استیفای حقوق زنان تأکید شده است (قانون اساسی، ۱۷):

«خانواده واحد بنیادین جامعه و کانون اصلی رشد و تعالی انسان است و توافق عقیدتی و آرمانی در تشکیل خانواده که زمینه‌ساز اصلی حرکت تکاملی و رشدیابنده انسان است، اصل اساسی بوده، فراهم کردن امکانات، جهت نیل به این مقصود از بازیافتن وظیفه خطیر و پراج مادری در پرورش انسان‌های مکتبی پیش‌آهنگ، خود هم‌رزم و وظائف حکومت اسلامی است، زن در چنین برداشتی از واحد خانواده...ضمن مردان در میدان‌های فعال حیات می‌باشد و در نتیجه، پذیرای مسئولیتی خطیرتر و در دیدگاه اسلامی برخوردار از ارزش و کرامتی والاتر خواهد بود.»

با این توجه ویژه به زنان و نهاد خانواده است که در فصل اول قانون اساسی که ۱۴ اصل کلی حاکم بر نظام را بیان می‌کند، اصل ۱۰ به تحکیم نهاد خانواده، اختصاص دارد. «از آنجا که خانواده واحد بنیادی جامعه اسلامی است، همه قوانین و مقررات و



برنامه‌ریزی‌های مربوط، باید در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی است» (قانون اساسی، ۱۰/۱).

در فصل سوم، در باب حقوق ملت، اصل ۲۱، وظائف دولت را در قبال حقوق ویژه بانوان، بیان می‌دارد:

«دولت موظف است حقوق زنان را در تمام جهت با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱. ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او.
۲. حمایت مادران، بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان بی‌سرپرست.
۳. ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان و بقای خانواده.
۴. ایجاد بیمه خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی‌سرپرست.
۵. اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی.»

در تدوین چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه/ش (۱۳۸۲/۸/۱۳)، در مسیر تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی «نهاد مستحکم خانواده به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره‌مند از محیط زیست مطلوب» مطرح شده است.

در ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه (اولین فاز تدوین سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج ساله آینده) که در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۱ از جانب رهبری نظام به ریاست جمهور وقت صادر شده است، به تقویت نهاد خانواده و توجه ویژه به جایگاه زن در آن، متذکر شده است (بند ۱۴ از محور امور اجتماعی، سیاسی...):

«بند ۱۴: تقویت نهاد خانواده و جایگاه زن در آن و در صحنه‌های اجتماعی و استیفای حقوق شرعی و قانونی بانوان در همه عرصه‌ها و توجه به نقش سازنده آنان.»

در بند ۱۵ از محور فوق، در راستای تحکیم خانواده، تلاش در جهت رفع دغدغه‌های شغلی، ازدواج، مسکن، و آسیب‌های اجتماعی جوانان مطرح شده است؛ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، چشم‌انداز در همان مفهوم لغوی‌اش دورنمای کلی تحقق ارزش‌های اسلامی مندرج در قانون اساسی را در بستر زمان و مکان، در افق ۱۴۰۴ ش ترسیم می‌نماید.



۱۱۷ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

سیاست‌های کلی مندرج در برنامه چهارم توسعه نیز، همان مفاهیم مندرج در قانون اساسی، به بیانی دیگر و گاه موجزتر و کلی‌تر است؛ لیکن همان‌گونه که در مقوله خانواده ملاحظه می‌شود، عبارت قانون اساسی جزئی‌تر و کاربردی‌تر تدوین شده است.

در تاریخ ۸۹/۱/۱۴، سیاست‌های کلی نظام اداری، در ۲۶ بند از جانب رهبر معظم انقلاب، به مسئولان ارشد نظام، چنین ابلاغ گردید:

«مخاطبان محترم این سیاست‌ها (رؤسای محترم سه قوه، نیروهای مسلح، و مسئولان سازمان‌های غیر دولتی) موظف‌اند: زمان‌بندی مشخص برای عملیاتی شدن آن را تهیه و پیشرفت آن را در فواصل زمانی معین گزارش دهند».

بند نهم این ابلاغیه چنین است:

«۹: توجه به استحکام خانواده، و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری».

همان‌گونه که قانون اساسی در فصل اول، اصل دوم بند ۶ الف، متذکر می‌شود تبیین تفصیلی قوانین براساس «الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع‌الشرایط براساس کتاب و سنت معصومین (ع)» صورت می‌پذیرد و نیز براساس اصل چهارم این فصل «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد» به گونه‌ای که «این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی و قوانین و مقررات دیگر حاکم است» (قانون اساسی، ۴).

با این توجه «استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها (قانون اساسی، ۶/۲ ب) در طول قرآن و سنت ۱۴ معصوم اعتبار می‌یابد و هرگز ناقض آن دو ثقل الهی (دو منبع گرانقدر الهی) نخواهد بود.

حال در تدوین قوانین «استحکام نهاد خانواده و ایجاد تعادل بین کار و زندگی افراد در نظام اداری» ضرورت دارد نگاهی تفصیلی به کتاب و سنت معصومین (ع) افکنده شود تا چگونگی تدوین قوانین تفصیلی با رعایت ضوابط اسلامی معلوم گردد.

نگرش به نهاد خانواده و مسائل کاربردی آن از دیدگاه اسلام

نهاد خانواده از نظر اسلام مرکب از دو رکن زن و مرد است که براساس قانون عرف یا دین یک جامعه، با یکدیگر پیوند زناشویی برقرار می‌کنند. اهمیت این نهاد و حفظ آن در اسلام به حدی است که:



۱. حتی اگر این پیوند از نظر احکام شرعی اسلام نسبت به مسلمانان فحشا تلقی گردد، نسبت به آنان از نظر اسلام ازدواج مشروع محسوب می‌گردد! همچون ازدواج خواهر با برادر و یا پسر با مادر در میان بعضی از اقوام و ادیان؛ از این رو امام جعفر صادق (ع) به یکی از مسلمانان که متوجه این مطلب نبود و ازدواج یک جوان زردشتی با مادرش را فحشا گمان می‌کرد، با توبیخ شدید تذکر می‌دهد: چرا تا کنون ندانسته‌ای که هر قومی را ازدواج مخصوصی است؟! (حرعاملی، ۳۳۲/۱۱).

۲. در دوران‌هایی که مسئله کنیز و غلام رواج داشت دستور اکید اسلام چنین بود که این افراد بایستی به‌عنوان عضوی از اعضای خانواده مسلمان تلقی گردند و از نظر خوراک، پوشاک و مسکن با دیگر اعضای خانواده از حقوق یکسانی برخوردار شود و رفته‌رفته به‌عنوان یک عضو از خانواده مسلمان، تعادل روانی خویش را باز یابد و هویت انسانی‌اش احیا گردد.

تا آنجا که با رسیدن به حداقل صلاحیت تشکیل زندگی خانوادگی مستقل، صاحب‌خانه از نظر اسلام موظف بود امکانات ازدواج کنیز و غلام را نیز فراهم نماید (نور، آیه ۳۲): «و مجردان از خودتان و افراد صالح از غلامان و کنیزانتان را ازدواج دهید». و در ادامه آن، در صورت تمایل آنان با دادن سرمایه کسب و کار به آنان، براساس قراردادی، مقدمات آزادی آنان را فراهم نمایند! (نور، آیه ۳۲): «و با کسانی از زیردستان خویش (کنیزان و غلامان) را که طالب و مشتاق قرارداد آزادی خویش (مکاتبه) هستند، پس با آنان برای آزادیشان قرار داد امضاء کنید اگر در وجود آنان خیر و صلاحی را می‌بینید (می‌دانید) و از مال خدا که به شما داده است به آنان بدهید!».

۳. آیه ۳۲ سوره نور دستور اکید اصلاح امر ازدواج همه مجردان جامعه، اعم از آزادگان و بردگان، را صادر می‌نماید و مانعیت فقر را مردود می‌شمارد: «و اگر دختر و پسر فقیر باشند خداوند از فضل خویش آنان را بی‌نیاز می‌گرداند و خداوند وسعت‌دهنده‌ای آگاه است».

و از طرفی، در سوره روم ازدواج و تشکیل خانواده، یکی از آیات بزرگ خدا معرفی شده است، که عامل اساسی امنیت روانی و آرامش روحی میان زن و شوهر می‌باشد. آرامشی که ریشه در رفع نیاز روحی - روانی یکدیگر (مفهوم «مودت»)، و ریشه در ایثار و گذشت نسبت به یکدیگر (مفهوم «رحمت»)، دارد؛ (روم، آیه ۲۱): «و از آیات



۱۱۹ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

(بزرگ) خداست که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در آغوش و در کنار آنان آرامش یابید و میان شما مودت و رحمتی ویژه و شگفت‌آور قرار داد، به‌راستی که در آن، آیات بی‌شماری است برای گروهی که مستمر اندیشه می‌کنند».

۴. در سورهٔ رعد، اکثریت قریب به اتفاق انبیا را متأهل و صاحب اولاد معرفی می‌کند (رعد، آیهٔ ۳۸): «و به حقیقت که قبل از تو رسولانی فرستادیم و برای آنان همسران و فرزندان قرار دادیم».

این تاکید، به‌طور ضمنی، گویای ضرورت حیاتی امر تأهل برای دیگران است؛ چرا که انبیای الهی، برترین افراد در زهد و عرفان و تهذیب نفس بودند و اگر مجرد، مستحب بود، آنان به این معنی از دیگران سزاوارتر بودند؛ خصوصاً که برترین بندگان خدا چهارده معصوم پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) همگی در تأهل بسر می‌بردند، با این توجه، مجرد حضرت عیسی (ع) و یحیی (ع) و حضرت مریم (ع) استثنای در موضوع می‌باشد، که شرایط ویژهٔ زمان (حدید، آیهٔ ۲۷)، و حکمت اسرارآمیز الهی در حق این سه معصوم (ع) و عواملی دیگر در آن دخیل بودند؛ لذا هرگز مجرد آنان به‌عنوان الگو در امر زندگی انسانی معرفی نشده است.

۵. در منطق قرآن و روایات سلامت انسانی و مصونیت دینی و اخلاقی انسان از مجموع سه تقوا حاصل می‌شود: الف) تقوی فطری: «فألهمها فجورها و تقویها» (شمس، آیهٔ ۸)؛ ب) تقوای حاصل از ازدواج! «هنّ لباس لکم و أنتم لباس لهن» (بقره، آیهٔ ۱۸۷)؛ ج) تقوای حاصل از تربیت دینی: «هدی للمتقین» (بقره، آیهٔ ۲)، «لعلّهم یتقون» (زمر، آیهٔ ۲۸).

در ازدواج زن، لباس تقوای شوهر، و شوهر لباس تقوای همسر تلقی شده است! از سه تقوای مذکور تقوای اول ارثی و دو تقوای حاصل از تربیت دینی و ازدواج، اکتسابی است؛ لذا در روایات، نیمی از تقوای دینی را حاصل از تربیت دینی و نیمی دیگر را حاصل از ازدواج طبعاً سالم و مناسب می‌دانند! (حرعاملی، ۱۴/۵): هر که ازدواج کند پس به راستی نیمی از دینش را به دست آورده است پس بایستی در نصف دیگر (از راه تربیت دینی) تقوای الهی را مراعات کند.

نکتهٔ اساسی کاربردی در حدیث شریف این است که ازدواج را نصف اول دین معرفی می‌نماید؛ یعنی که بدون اصلاح امر ازدواج افراد، خصوصاً جوانان هرگز امر تربیت دینی جامعه سامان نمی‌یابد و گسترش بی‌تقوایی، نتیجهٔ بدیهی عدم اصلاح امر



ازدواج در جامعه و محیط اداری می‌باشد. در حدیثی از امام کاظم (ع) و امام رضا (ع) در تقسیم اوقات مؤمن به ۴ وقت «مناجات، تلاش اقتصادی، معاشرت اجتماعی و لذت‌های حلال»، بهره بردن از لذت‌های حلال، خصوصاً ازدواج که لذت‌بخش‌ترین آنها معرفی شده است (حر عاملی، ۱۴/۱۰)، شرط تحقق عبادت و بندگی خدا و امور دیگر معرفی شده است (مجلسی، ۳۲/۷۵ و ۳۴۶): «و بهذه الساعة تقدر علی الثلاث الساعات» و با تحقق این لذت حلال، قادر بر امور سه‌گانه دیگر خواهید بود. معلوم می‌شود: یکی از عوامل بنیادی تعادل روانی جامعه و سلامت روابط اجتماعی و سازمانی افراد، تأهل سالم می‌باشد.

۶. مذمت شدید امر تجرد تا آنجاست که خروج از سنت پیامبر اسلام (ص) (حر عاملی، ۱۴/۹)، و زمینه مساعد جهنمی شدن (همو، ۱۴/۸ و ۷)، و در نتیجه، استحقاق لعنت و دوری از رحمت خدا (توبه، آیه ۶۸)، از عوارض آن معرفی شده است؛ و این خود، دلیل دیگری بر حساسیت و تأکید دین بر امر تأهل است و اینکه از جمله شروط سلامت روابط اجتماعی و خصوصاً سازمانی تأهل افراد می‌باشد؛ لهذا با بسترسازی و ایجاد تسهیلات جهت امر ازدواج، «تأهل» در نظام اسلامی «یکی از شرایط ادامه فعالیت سازمانی و شرایط استخدامی» خواهد بود.

در قصه حضرت موسی (ع) ملاحظه می‌شود: دختران عبد صالح مدینی به پدر پیشنهاد می‌دهند، حضرت موسی (ع) را استخدام کند، پدر بلافاصله به حضرت موسی (ع) پیشنهاد ازدواج با یکی از دختران را مطرح می‌کند! (قصص، آیه ۲۶-۲۷): «یکی از آن دو دختر گفت، پدر جان استخدامش کن، چرا که بهترین کسی که استخدامش کنی فرد توانای امین است؛ (پدر به موسی(ع)) گفت: به راستی من می‌خواهم یکی از آن دو دخترم را به ازدواج تو درآورم».

با وجود اینکه در روابط سازمانی مذکور، کارفرما بنده مؤمن و صالح خدا، به قول مشهور، حضرت شعیب (ع)، و زیر مجموعه آن، حضرت موسی (ع) و آن دختران پاک، و عفیف با حیا، بودند (قصص، آیه ۲۵)، یک لحظه کارفرما معطلی را جایز نمی‌داند و آغاز فعالیت سالم را با تحقق تأهل افراد سازمانی‌اش، پی می‌گیرد. حال چگونه است که در روابط سازمانی غیرمعصومین، آن هم با ضعف‌های فراوان که با تجرد رو به گسترش افراد سازمانی نیز همراه است؛ سلامت اخلاقی روابط سازمانی را انتظار می‌بریم!



۱۲۱ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

بنابراین، مجرد در سن تأهل، در معرض خطر تباه شدن خویش و تباه کردن محیط قرار دارد، که باید به جدّ، به علاج آن پرداخت.

خانواده حسّاس‌ترین و بنیادی‌ترین سازمان اجتماعی

خانواده سالم با دو رکن اولیه زن و شوهر و رکن سوم فرزندان (در اغلب موارد)، پایدارترین تشکیلات و سازمان اجتماعی است که از ابتدای خلقت انسان شکل گرفته است.

قرآن کریم مکرراً تأکید می‌کند همه بشریت از یک خانواده گسترش یافته‌اند (نساء، آیه ۱؛ حجرات، آیه ۱۳). و شکل‌گیری خانواده در ابتدا و گسترش آن، توسط وحی الهی با ساز و کار خاصی مدیریت و سازماندهی شده است؛ که ویژگی‌های این سازمان به قرار ذیل است:

(۱) ساعت حضور و ارتباط سازمانی، شبانه روزی است، از این‌رو، هرگونه فعالیت اجتماعی سالم نمی‌تواند و نبایستی افراد خانواده را از عضویت و ارتباط سازمانی خانوادگی محروم نماید.

(۲) نزدیک‌ترین روابط ویژه تشکیلاتی میان اعضاء، در سازمان خانواده برقرار است که در قالب زن و شوهری و پدری و مادری و غیره، با حقوق ویژه تعریف شده توسط عرف جامعه یا دین برقرار است.

(۳) پایدارترین تشکیلات اجتماعی است که در چهار حالت، به ترتیب ذیل از نظر اسلام، به حیات سالم خود ادامه می‌دهد:

الف- خانواده کامل نسبی و رجمی (والدین و فرزندان)؛

ب- خانواده با تأهل مجدد (همراهی فرزند با پدر یا مادر در تأهل مجدد، در صورت جدایی یکی از والدین بواسطه مرگ یا طلاق)؛

ج- خانواده ناقص (زن و شوهر و فرزندخواندگی): جدایی پدر و مادر از فرزند به واسطه مرگ یا طلاق و یا فقر و فحشا و...؛

د- خانواده ناقص تک‌والدینی مشروع: جدایی پدر یا مادر از فرزندان به واسطه مرگ یا طلاق و عدم تأهل مجدد (۱).

(۴) تمام انسان‌های سالم از عضویت رسمی در سازمان خانواده، منبعث از یک زن و شوهر با عنوان پدر و مادر رسمی، برخوردار می‌باشند؛ از این رو، ادیان الهی، خصوصاً اسلام، با هرگونه شکل‌گیری ارتباط جنسی و هرگونه شکل‌گیری خلقت انسان، در



روابط جنسی آزاد و بدون هویت، به شدت مبارزه کرده (نور، آیه ۲-۹)، آن را نوعی جنایت در حق بشریت، همچون فرزندکشی و آدم‌کشی، تلقی می‌کند (اسراء، آیه ۳۱-۳۳). با این توجه، هرگونه تفکر منهدم‌کننده بنیان خانواده را مردود می‌شمارد؛ همچون تفکر فمینیستی در کنوانسیون موسوم به محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که در واقع، محو هرگونه تفاوت است نه تبعیض!، که جایگاه همسری و پدری را امری کلیشه‌ای و جعلی قابل حذف تلقی می‌کند (کنوانسیون، ۱۹۷۹، ماده ۵ بند الف، ۱۰ بند ج)؛ و همچون شبیه‌سازی انسان‌ها که به‌طور طبیعی رکن شوهری و پدری را حذف می‌کند، از این رو، از نظر اسلام این امر بی هویتی انسان‌ها و شکل‌گیری عقده‌های روانی ناعلاج و بروز آسیب‌های جبران‌ناپذیر را موجب می‌شود و از طرفی، انتساب فرزندان به پدران خویش را جزء حقوق آنان و از مصادیق قسط و عدالت بر می‌شمارد (احزاب، آیه ۵)، حال آنکه در امر شبیه‌سازی حذف شده است.

علاوه بر این، اسلام با تکیه بر ارزش‌های اعتقادی و اخلاقی و با تدوین قوانین فقهی حقوقی و ضوابط اخلاقی و با تأکید فراوان، اصلاح امر یتیمان (کودکان پدرمردده) و سالمندان را در درون خانواده‌ها خصوصاً توسط بستگان و خویشاوندان به‌عنوان صله رحم و صله ایمانی و انسانی نهادینه می‌نماید و با ایجاد انگیزش فراوان از طریق تذکر به پاداش دنیوی طول عمر و کثرت روزی (کلینی، ۱۵۰/۲) و پاداش آخروی بهشت برین و سعادت ابدی، راه تحققش را هموار می‌نماید و آنچنان که کشیدن دست رحمت بر سر یتیم را موجب کسب سعادت آخروی (مجلسی، ۴/۷۵) و خشونت با یتیم را دلیل تکذیب قیامت و آخرت! (ماعون، آیه ۲) و اصلاح امر یتیم را آدای تکلیف شرعی و حق اخوت ایمانی و انسانی معرفی می‌نمایند (بقره، آیه ۲۲۰).

جایگاه زن در سازمان خانواده

در سازمان خانواده، امنیت و آرامش روانی بر پایه تأمین صحیح نیاز جنسی «لتسکنوا الیها» (روم، آیه ۲۲) و ادامه حیات خانواده از طریق تولید نسل دو هدف اساسی اولیه به شمار می‌رود.

این دو هدف اولیه در منطق اسلام در راستای اصل آخرتگرایی (قصص، آیه ۷۷) مبتنی بر عقاید، اخلاق و احکام اسلامی سامان می‌پذیرد و در مسیر رشد و تعالی ملکوتی انسان استقرار می‌یابد.



۱۲۳ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

آرامش روانی حاصل از تأمین صحیح نیاز جنسی، آرامش طبیعی و غریزی است که بستر و مقدمه رسیدن به آرامش معنوی و ملکوتی حاصل از معرفت، پذیرش قلبی و عمل به تعلیمات الهی در قالب ارزش‌های اسلامی است که همان جریان «اسلام» معرفت‌ابتدایی و پذیرفتن ظاهری (حجرات، آیه ۱۴)، «ایمان» معرفت عمیق و باور قلبی (همان) و «تقوی» عمل به فرامین به قصد قرب الهی (حشر، آیه ۱۸) می‌باشد. این آرامش اولیه در دین اسلام چنان‌که گذشت، ارزشی برابر نصف دین فرد مسلمان، آن هم، نصف اول دین او را داراست، در تحقق این آرامش اولیه در دیدگاه عمومی و حتی عقلای بشری، زن و شوهر مشارکت یکسانی دارند و به یکسان بهره می‌برند؛ لیکن در رهنمود خالق هستی «زنان» در نقش «همسری و مادری»، محور و کانون امنیت و آرامش خانواده می‌باشند! (جوادی آملی، ص ۴۷).

تعبیر عجیب «لتسکنوا الیها» (روم، آیه ۲۲) در روان‌شناسی قرآنی از امر زناشویی و انس همسری، گویای آن است که این زنان هستند که شوهران را با جذب به سوی خویش، آنان را در آغوش گرفته، با زدودن غبار خستگی، آشفتگی و خشونت حاصل از فعالیت اجتماعی پر تنش از روح و روان شوهران، آرامش و امنیت روانی را به شوهران خویش هدیه می‌کنند؛ دقیقاً مشابه نقش مادری که در ارتباط با فرزندان خویش برعهده دارند.

دلیل روشن این تفسیر از آیه «لیسکن الیها» در سوره اعراف آیه ۱۸۹ است که ضمیر فاعلی «یسکن» مفرد مذکر است و مجرور «الیها» مؤنث، از این رو تعبیر «الیها» به‌روشنی محور و کانون بودن زن را برای آرامش روانی شوهر تذکر می‌دهد. تأیید و تأکید این معنی در تذکر خداوند به همسر عمران، مادر حضرت مریم (ع) آمده است: وی طالب فرزند پسری بود که او را وقف خدمت به دین خدا و اخلاق و تربیت جامعه بشری نماید؛ در مقابل نذر خالصانه این مادر، خداوند به وی حضرت مریم (ع) را عطا می‌کند؛ مادر به گمان عدم تحقق نذرش، حسرت زده می‌شود، خداوند به او تذکر می‌دهد که در تحقق آن هدف متعالی مادر، نقش پسر همچون نقش دختر نیست؛ بلکه نقش دختر بالاتر است! (آل عمران، آیه ۳۶).

این نقش دختران، با توجه به آیه ازدواج (روم، آیه ۲۲) و آیه تقدم احسان به مادر قبل از پدر (لقمان، آیه ۱۴) و روایات فراوان در این باب ناظر بر سه بار احسان به مادر، سپس یک بار به پدر (کلینی، ۱۵۹/۲) همان نقش همسری و مادری بانوان



است؛ این دو نقش خانوادگی، دو شغل بی‌بدیل تکوینی زنان در منطق الهی است که تضمین‌کننده امنیت و سلامت روانی بشری در درون خانواده است و کسی جز همسران و مادران نمی‌توانند این رسالت را بر عهده گیرند؛ در بیان مکرر از پیامبر اکرم (ص) و امیر مؤمنان و سایر ائمه (ع) این رسالت به‌عنوان جهاد زنان تعریف شده است که به تنهایی با تمام فعالیت اجتماعی، سیاسی و جهاد مردان در راه خدا برابری می‌کند! (سیوطی، ۵۱۸/۲) در حالی که این رسالت، بخش اول فعالیت زنان را تشکیل می‌دهد که در خانواده صورت می‌پذیرد (نهج البلاغه حکمت، ۱۳۶؛ حر عاملی، ۱۴/۱۶۳، ۱۱۶): «جهاد زن، حُسن همسررداری (شوهر داری و مادری) است».

اداره کردن شوهر و تأمین نیازهای او در خانه و تحقق امنیت روانی‌اش توسط بانوان، مبدأ سلامت فعالیت مردان و خود زنان در جامعه و سازمان‌های اجتماعی و اداری می‌باشد؛ والا، فقدان رضایت روانی شوهران، که نارضایتی زنان را نیز در پی خواهد داشت، محیط اجتماع و سازمان‌های اجتماعی و اداری را عرصه جست‌وجو برای پرکردن خلاء روانی و رفع نیاز همسری مردان و زنان خواهد نمود و این به معنی به هم خوردن سلامت روابط اجتماعی و اداری خواهد بود.

شأن مادری، در منطق اسلامی «شغل» بی‌رقیب دیگری است که جزء دوم جهاد زنان در خانواده تعریف شده است.

تکریم این شأن به تنهایی آن چنان حیرت‌انگیز است که بهشت زیر پای مادران توصیف شده است (عسقلانی، ۱۲۸/۶).

در حدیثی از امام جعفر صادق (ع) نیز آمده است که: «حضرت حوا (مادر بشریت) از خداوند پاداشی مشابه پاداش پیامبری و برگزیدگی آدم (ع) را طلب می‌کند؛ خداوند پاداش تأمین نیاز همسری شوهرش و مادری را در مقابل به او عطا می‌کند که بالاترین بهره‌مندی در بهشت را حکایت می‌کند!» (نوری، ۲۱۴/۱۵).

در ادامه حدیث، خداوند به حضرت حوا به‌عنوان نماینده تمام زنان عالم، پاداش بارداری و درد زایمان را اجر شهید، اعلام می‌کند! و پاداش زایمان و مادر شدن را آمرزش از تمام گناهان می‌شمارد؛ و اگر در دوره شیردهی بمیرد شهید از دنیا رفته است! (همان).

این چنین تعریف و تکریمی از شأن همسری و مادری برای نگرش‌های تحت تأثیر فرهنگ سنتی مصیبت‌زده و یا فرهنگ فمینیستی بسیار عجیب می‌نماید؛ لیکن با



۱۲۵ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

نگرش عمیق اسلامی، که سلامت بشریت را در گرو سلامت شأن همسری و مادری بانوان معرفی می‌کند و حرف آخر را در سعادت یا شقاوت بشری را به زنان نسبت می‌دهد (حر عاملی، ۱۴/۱۶)، امری است که بعضی از اهل تحقیق در مغرب زمین نیز اجمالاً بدان اعتراف می‌نمایند (مورگان، ۵۱-۵۸).

در حدیثی دیگر، «دوره بارداری، زایمان، شیردهی، «مرزبانی در راه» خدا معرفی شده است؛ و اجر بارداری، اجر روزه‌دار شب زنده‌دار خداجوی مجاهد در راه خدا بیان شده است؛ و اجر درد زایمان و تولد فرزند را اجر عظیم و غیرقابل توصیف می‌شمارد؛ و اجر هر بار شیردهی را اجر احیاء‌کننده یک انسان قرار می‌دهد!» (متقی هندی، ۴۱۱/۱۶-۴۱۲).

پس در باب شأن زنان، چشم‌ها را باید شست؛ و از نو به فرهنگ انسانی ملکوتی اسلام نگریست؛ که طبعاً از حیث قوانین و طرح و برنامه عملیاتی احیای شأن و منزلت و حقوق زنان و تغییرنگرش و اصلاح نگاه جامعه، حتی معرفت خود زنان به این جایگاه انسانی ملکوتیشان، و رضایتمندی آنان از ایفای نقش همسری و مادری، نیارمند معرفت صحیح اسلامی و شجاعت طراحان، قانون‌گذاران و مجریان، در امر تدوین قوانین حقوق همسری و مادری و تعریف خرده سیستم‌های بسترساز و تأمین‌کننده این حقوق و اجرای آن می‌باشد.

تکالیف زنان و حقوق همسری و مادری

تکالیف الزامی زنان صرفاً در حوزه همسری و در ۵ مقوله خلاصه می‌شود که حداکثر ۱۰٪ فعالیت‌های جاری زنان در منزل را در برمی‌گیرد؛ و الباقی فعالیت‌ها، از جمله شأن مادری، جزء تکالیف الزامی زنان تعریف نشده است! (نساء، آیه ۳۴): «پس زنان شایسته و سازنده، با فروتنی اطاعت کنند، نگره‌دارنده و نگهبان اسرار و امور پوشیده (در غیاب همسر) می‌باشند به سبب آنچه که خداوند (آن را) پوشیده و حفظ کرده است».

«قنوت» نظر به دو وظیفه دارد:

- ۱) تمکین در برآوردن نیاز جنسی همسر بدون عذر شرعی.
- ۲) عدم خروج از منزل بدون اذن شوهر در غیر امور واجب شرعی، همچون حج واجب و غیره (طباطبایی، ۳۴۴/۴).



سازمان خانواده ۲۴ ساعته است؛ از این رو اجازه از شوهر به‌عنوان مسئول حفاظت و مدیریت ارشد سازمان خانواده، امری بدیهی است؛ چراکه در هیچ سازمان بشری خروج مجموعه افراد زیرمجموعه سازمان، بدون هماهنگی با مدیریت ارشد سازمان پذیرفته نیست و الا دیگر سازمان معنی و مفهومی نخواهد داشت. فرق عمده در این است که سازمان‌های عرفی معمولاً ۸ ساعته بوده، ولی سازمان خانواده، شبانه‌روزی است؛ از این رو، اگرچه فرد در سازمان عرفی خارج از منزل به سر برد، از حیطة مدیریت خانواده بیرون نیست؛ لذا هر حادثه در سازمان اجتماعی و اداری برای افراد خانواده رخ دهد به مدیریت ارشد خانواده مرتبط است و برای او مسئولیت‌آور است. تعبیر «حافظات للغیب...» سه وظیفه دیگر را مطرح می‌نماید (همو، ۳۴۴/۴-۳۴۵؛ مکارم، ۳/۳۷۱):

- ۱- رعایت حرمت و حفظ حیثیت و شخصیت شوهر و اسرار زندگی در غیاب او، حتی در برابر بستگان نزدیک.
 - ۲- حفظ حریم ناموسی در غیاب شوهر.
 - ۳- حفظ امکانات زندگی و عدم تاراج و بذل و بخشش ثروت شوهر.
- در قبال این ۵ وظیفه الزامی زن که نهایتاً، ۱۰٪ فعالیت خانوادگی‌اش را شامل می‌شود، تمام حقوق نفقه نسبت به خوراک، پوشاک، مسکن و لوازم زندگی بر عهده شوهر قرار می‌گیرد!

ضرورت‌های خانواده و حقوق زنان

بیش از ۹۰٪ فعالیت‌های زنان در حوزه همسری و تمام فعالیت‌های مادری زنان، خارج از الزامات اولیه شرعی اسلام است! حال آنکه خانه‌داری اعم از آشپزی، نظافت، لباس شستن، شیردادن، تربیت فرزند و غیره از ضروریات ایجاد محیط گرم و دلپذیر خانه است و عمدتاً از عهده مردان برنمی‌آید که در عین اشتغال در خارج از منزل، به این امور بپردازند؛ خصوصاً که امر مادری به کلی از حیطة مردان خارج است و اگر زنان امور فوق را برعهده نگیرند، تشکیل خانواده ممکن نخواهد بود؛ و این معنی از عجایب حیرت‌انگیز قانون‌گذاری اسلام است که در عین ضرورت، عهده‌داری امور فوق از جانب زنان و حتی پذیرش این مسئولیت‌های ضروری از جانب آنان، این امور ضروری را از حیث فقهی - حقوقی بر زنان الزام ننموده است (۲)؛ در عین حال، آنان



جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی ▶ ۱۲۷

را به عهده‌داری این مسئولیت‌ها خصوصاً وظائف بی‌بدیل مادری به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی و معنوی نه فقهی تشویق می‌نماید.

بلکه اقتضای روحیه لطیف و عاطفی سرشار و با محبت و ایثارگر زنان را پذیرش بی‌مزد و منت این امور می‌داند؛ و شأن زنان را برتر از آن می‌شمارد که حتی نیازمند تذکر به عهده‌داری این امور باشند؛ بلکه شخصیت والای آنان چنان است که خود، امور خانواده را بر خود اخلاقاً الزام می‌کنند و جزء وظائف خود می‌شمارند. از این رو، خداوند می‌فرماید: دون شأن مادری است که به مادری تذکر داده شود که فرزندت را شیر بده؛ بلکه خود بدون تذکر، به این وظیفه اشتغال دارند (بقره، آیه ۲۳۳): «مادران فرزندان‌شان را دو سال کامل شیر می‌دهند».

در مقابل عهده‌داری این مسئولیت اخلاقی به‌عنوان الزام شخصی توسط زنان، تکلیف شوهران در برابر این گذشت و احسان چیست؟ آیا پاسخ احسان به جز احسان، چه می‌تواند باشد؟ (الرحمن، آیه ۶۰).

همان‌گونه که در آیه‌ای دیگر در سوره نساء تذکر می‌دهد: انسان وظیفه اخلاقی و دینی‌اش اقتضا می‌کند که در برابر هر لطف و محبتی، بهتر از آن، و یا لااقل در حد آنس را جبران نماید چراکه خداوند بر هر چیزی حسابگر است! (نساء، آیه ۸۶).

پس زنان در شغل همسری و مادری، علاوه بر نفقه در تأمین مجموعه مایحتاج زندگی خویش، دو حق را شرعاً و اخلاقاً از شوهران طلب دارند: یکی، حق تقدیر و تشکر روانی، و دیگری، حق اقتصادی نسبت به فعالیت‌های مازاد.

ادای حق تقدیر ولو آثار بسیار دگرگون‌کننده‌ای در رضایت شغلی شوهرداری و مادری زنان دارد و در عین حال که بسیار لازم است، ولی کافی نیست؛ لذا، هر مردی از نظر اخلاق و مروّت انسانی و ضرورت دینی و ایمانی، موظف است به قدر وسع اقتصادی رضایت همسر را جلب نماید؛ در عین حال، خداوند بیش از آنچه که به انسان عطاء کرده است از او انتظار ندارد (طلاق، آیه ۱۷).

آیه شریفه در عین تذکر به مردان، به‌طور ضمنی به زنان تذکر می‌دهد که در جبران خدماتشان بیش از وسع همسرانشان، از آنان نباید انتظار برند؛ امید است که بعد از تنگدستی، وسعتی حاصل شود و شوهر جبران خدمات همسر نماید؛ که در واقع، این جبران حکم نوعی هدیه مالی را دارد؛ و الا تلاش زنان با هیچ قیمتی قابل ارزش‌گذاری نیست؛ و هرگز شوهر، از زیر بار دین حق همسری و مادری خانمش خارج نمی‌شود.



دستورالعمل کاربردی در این مقوله از حیث قانون‌گذاری حداقل در سه محور در پایان مباحث نظری آمده است:

اصلاح امر ازدواج و تحکیم خانواده

شکل‌گیری جامعه سالم از حیث منابع انسانی، در گرو اصلاح امر جوانان (در حوزه ازدواج، اشتغال، مسکن و امکانات زندگی) و اصلاح امر زنان (در اشتغال خانوادگی و اجتماعی‌شان) و گزینش مدیران لایق و شایسته کار آزموده و جوان دل و اصلاح امر فقرا و یتیمان و درماندگان می‌باشد.

قرآن کریم جوانان را قوی‌ترین نیروی اجتماعی مستعد در پیروی از ارزش‌های الهی تا سرحد شهادت‌پذیری معرفی می‌کند (یونس، آیه ۸۳): «پس به موسی ایمان نیاوردند مگر جوانانی از قومش در شرایطی که نگرانی از شکنجه فرعون و اشراف در میان بود». بنابراین، اصلاح امر جوانان در مقوله ازدواج، اشتغال، مسکن و امکانات زندگی، یک ضرورت حیاتی در راستای نهادینه کردن تأهل سالم و سلامت روابط اجتماعی خواهد بود. این اصلاح، نیازمند ایجاد چند خرده سیستم اجتماعی و حکومتی می‌باشد:

۱. نظام تضمین حداقل معیشت یک زوج، از راه ایجاد اشتغال و یا بیمه بیکاری تا امکان اشتغال مؤلد و مفید؛
۲. خرده سیستم موردیابی افراد کفو یکدیگر و مشورت‌دهی و آموزش آنان قبل، هنگام و بعد از ازدواج از نظر معیارهای علمی و شرعی، و معرفت‌دهی به بهداشت و تغذیه مادی (جسمی - روانی) و معنوی (معرفتی - ایمانی)؛
۳. ایجاد صندوق ذخیره ازدواج، جهت تأمین حداقل مخارج ازدواج و حداقل امکانات زندگی (جهیزیه) به صورت وام درازمدت در صورت امکان باز پرداخت و کمک بلاعوض در صورت فقدان آن؛
۴. ایجاد صندوق تأمین مسکن جامعه، خصوصاً برای جوانان با شرایط فوق؛
۵. ایجاد نظام حداقل تأمین اجتماعی بهداشت و درمان، معیشت و آموزش جامعه، خصوصاً جوانان.

بودجه موارد فوق، همان‌گونه که گذشت، با توجه به آیه بسیج ازدواج (نور، آیه ۳۲) بر عهده همه مؤمنان خصوصاً متأهلین توانمند و حکومت اسلامی می‌باشد که جزء تکالیف حقوقی جامعه مؤمنان، و جزء اولویتهای حکومت اسلامی در امر بودجه‌بندی و تخصیص منابع می‌باشد.



خانواده و اشتغال اجتماعی زنان

با توجه به دستور الهی در آیه بسیج ازدواج همه افراد در سن طبیعی تأهل، در چشم‌انداز اشتغال سالم اجتماعی افراد اعم از مردان و زنان، تأهل، پیش شرط اشتغال یا حداقل، شرط مقارن اشتغال خواهد بود.

تحقق این چشم‌انداز، طبعاً، سیاست‌گذاری ایجاد خرده سیستم اصلاح امر ازدواج جامعه، به‌ویژه جوانان را نیاز دارد.

با توجه به اشتغال همسری و مادری بانوان در خانواده، از نظر اسلام، خانم‌ها به مجرد تأهل، شاغل و صاحب در آمد نفقه و حق همسری و مادری می‌شوند؛ بنابراین، اشتغال اجتماعی خانم‌ها شغل سوم آنان خواهد بود نه شغل اول آنان، بر خلاف شوهران که به علت مسئولیت پرداخت حق نفقه و حق همسری و مادری بانوان، شغل اجتماعی برای مردان، شغل اول آنان خواهد بود.

و از طرفی، از نظر اسلام، تأمین نیازهای ویژه بانوان در اجتماع، خصوصاً در امر آموزش و بهداشت و درمان و مشاوره خاص مسائل بانوان و غیره، بایستی عمدتاً بلکه کلاً توسط خود بانوان، صورت پذیرد؛ لذا اولویت قطعی اشتغال در حوزه‌های فوق با زنان خواهد بود.

پس یکی از دستورالعمل‌های سیاست‌های کلی ناظر بر چشم‌انداز ایران اسلامی در افق ۱۴۰۴ بایستی خودکفایی زنان در حوزه مسائل اجتماعی خاص بانوان (آموزشی، بهداشتی، درمانی، تربیتی و...) تعریف شود و بالعکس، به علت مسئولیت ویژه اقتصادی مردان در نهاد خانواده، اولویت قطعی در اشتغال اجتماعی غیرمختص به بانوان، شرعاً و عقلاً، با مردان خواهد بود.

خانواده و ساعات اشتغال زنان

با توجه به دو نکته « ضرورت خودکفایی بانوان در حوزه نیازهای اجتماعی خویش و دو اشتغال خانوادگی آنان»، اولاً، اشتغال اجتماعی بانوان، در طول اشتغال خانوادگی آنان و مشروط به ایفای آن دو نقش همسری و مادری خواهد بود؛ و ثانیاً، میزان ساعات رسمی اشتغال اجتماعی بانوان به یک سوم ساعات رسمی مردان، تقلیل خواهد یافت؛ که در نتیجه، مشارکت اشتغال اجتماعی زنان در حوزه‌های آموزش و بهداشت و درمان و مشاوره و غیره مخصوص زنان، حداقل به سه برابر اشتغال مشابه



مردان، افزایش خواهد یافت؛ از این رو، بایستی در برابر یک معلم مرد، حداقل سه معلم زن و در برابر یک پزشک و مشاور تربیتی مرد، حداقل سه پزشک و مشاور تربیتی زن، بلکه بیشتر (به علت مسائل پزشکی زنان، فراتر از مردان) داشته باشیم؛ تا خانم معلم و پزشک و غیره، بتواند به ساماندهی امر همسری و مادری‌اش نیز به نحو احسن همت گمارد و این‌گونه نباشد که با گسترش توانمندی علمی و فرهنگی بانوان، جامعه شاهد گسترش محرومیت شوهران و فرزندان از شأن همسری و مادری این‌گونه بانوان باشد؛ تا بدانجا که در شرایط تأمین اقتصادی خانواده توسط مردان، شوهران و فرزندان به داشتن همسران و مادران خانه‌دار حسرت خورند! آن‌گونه که بعضاً مشاهده می‌شود.

تحقیقات نشان می‌دهد، مجموعه اوقات صرف‌شده فعالیت‌های ضروری خانوادگی یک زوج بدون فرزند (آشپزی، نظافت، شستشو، مراقبت از افراد خانه، خرید مواد و پرداخت قبوض بانکی) به‌طور متوسط ۴۴ ساعت در هفته می‌باشد (روزانه ۶/۳ ساعت) (سیف، ۱۴۹).

این آمار در مورد یک زوج با یک فرزند به حدود ۶۴ ساعت (روزانه ۹/۱ ساعت) افزایش می‌یابد (همان).

بیش از دو سوم این فعالیت‌ها از شئون معمول همسری و مادری بانوان است؛ بنابراین، طبیعی است که تعادلی میان فعالیت‌های همسری و مادری و ساعات فعالیت اجتماعی بانوان برقرار گردد و آلا با توجه به ضرورت پاسخ متعادل اعضای خانواده به مجموعه نیازهای مادی و معنوی یکدیگر، ساعت اشتغال زنان در حد رسمی مردان به کاهش اثربخشی و کارایی متناسب و موزون تمام افراد خانواده (زن، شوهر و فرزندان) در سازمان خانواده و فعالیت‌های اجتماعی بلکه به هم خوردن تعادل روانی آنان منجر خواهد شد.

معیار این قضاوت، ضرورت پاسخ متعادل مشروع و معقول به مجموعه نیازهای مادی (جسمی- روانی) و معنوی (معرفتی و ایمانی) است؛ و به عبارت دیگر، جمع معقول و مشروع میان دنیا و آخرت و دنیای در راستای آخرت است (قصص، آیه ۷۷): «و در آنچه که خداوند به تو داده است خانه آخرت را بجوی و بهره‌ات را از دنیا فراموش ننما».

سلامت خانواده و تحصیلات زن و شوهر

سلامت خانواده از نظر اسلام در درجه اول به کفویت زن و شوهر در ایمان و تقوی است (حرعاملی، ۴۹/۱۴) که به سه مقوله «عقل، حیا و دین» تحلیل شده است (کلینی، ۱۰/۱).



۱۳۱ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

غالباً رابطه مستقیمی میان این سه مقوله و ارتقای تحصیلات خصوصاً تحصیلات عالی دانشگاهی و حوزوی وجود دارد؛ از طرفی، در منطق عقل و شرع، تعیین رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی و میزان جذب دانشجویان رابطه مستقیمی با رفع نیازهای مادی و معنوی جامعه، به خصوص خانواده‌ها دارد؛ علاوه بر آن، جنسیت در اتخاذ برخی از رشته‌ها همچون آموزش و بهداشت درمان بانوان برای زنان، و رشته مهندسی معدن، کشاورزی و غیره برای مردان موضوعیت اساسی دارد؛ حال آنکه اکنون بدون منطق قابل دفاع عقلی و شرعی، با حذف جنسیت، به صرف قابلیت ذهنی برتر، گاه مردان در پزشکی زنان، و زنان در مهندسی معدن، کشاورزی و دام‌پزشکی و غیره... جذب می‌شوند.

در عین حالی که جامعه زنان از کمبود زنان معلم، پزشک و مشاور خانواده و امور تربیتی در رنج بسیار گرفتار است! خصوصاً که با منطق حفظ سلامت خانواده، مشارکت حداقل سه برابر آنان را در مقولات فوق می‌طلبد؛ و طبعاً شغل‌های مهندسی معدن، کشاورزی و غیره با اقتضائات فیزیکی، روحی-روانی و خانوادگی نوع بانوان در تعارض است.

اساساً تعیین شغل خانوادگی و اجتماعی زنان و مردان براساس نقش‌های ویژه آنان در حوزه خانواده و ادامه آن در جامعه، معنی معقول و مشروع می‌تواند داشته باشد. زن و مرد در سه مقوله «رشد معرفتی، ایمانی، و مراتب رشد و کمال» اشتراک معنوی دارند (احزاب، آیه ۳۴؛ نحل، آیه ۹۷ و...); لیکن در سه مقوله مادی «جسمی» (ظرافت جسمی، زیبایی و جمال)، «روانی» (تخیل قوی، عاطفه سرشار، حساسیت روحی شدید) و «جسمی-روانی» (بلوغ زودتر، امکانات مادری و پرورش نسل، ایام ماهانه و سن یائسگی) از مردان تمایز دارند.

این تمایز، تفاوت روشنی در نقش خانوادگی و اجتماعی زن و مرد (همچون مباحثی که گذشت) خواهد داشت؛ که ناظر به دو نقش مکمل یکدیگر در مسیر رشد و تعالی خانواده و جامعه و خیر دنیا و آخرت است که اسلام از جانب خداوند ترسیم نموده است؛ نه نقش فردگرای مستقل رقیب یکدیگر که خانواده را در حد شرکت سهامی خاص تنزل داده است و به کوچک‌ترین احساس زیان، طرفین دست از شراکت شسته، به انحلال سازمان خانواده اقدام می‌نمایند؛ آنچنان که در تفکر ماده‌گرایانه و فمینیستی جلوه‌گر است.



از نظر اسلام در نقش مکمل زن و شوهر در سازمان خانواده، «زن، پناه شوهر و فرزندان در خانه است»: «لتسکنوا الیها» (روم، آیه ۲۲)؛ و «مرد، پناه زن و فرزندان در جامعه است»: «الرجال قوامون علی النساء» (نساء، آیه ۳۰).

این آیه مردان را سرپرست و پاسدار زندگی زنان (و فرزندان) اعلام می‌نماید، به شرطی که شرایط کفویت را با زنان در عقل و حیا و دین دارا باشند؛ در این صورت، تصمیم این مردان منطقی‌تر و تصمیم زنان در شرایط کفویت، عاطفی‌تر خواهد بود و طبعاً یکی از مقتضیات صلاحیت مدیریت و سرپرستی، رجحان قدرت در عقلانیت است: (نساء، آیه ۳۴): «مردان سرپرستی و پاسداری بر زنان را برعهده دارند به جهت آن ویژگی‌هایی که خداوند بعضی را بر بعض دیگر مقدم نموده است و برای آنکه مسئولیت اقتصادی را برعهده دارند».

«مرد بودن» به جهت ویژگی‌های جسمی-روانی و علل دیگر (که بحث مستقلی را می‌طلبد) و «پذیرش مسئولیت اقتصادی» دو شرط سرپرستی، ولیکن «عقلانیت» مقتضی سرپرستی بر سازمان خانواده است.

یکی از عوامل تهدیدکننده کیان خانواده، عقب‌ماندگی جوانان پسر از شرایط نسبی کفویت عقلانی است.

یکی از بسترهای نسبی این عقلانیت، رشد تحصیلی پا به پای دختران بلکه جلوتر از آنان است؛ آمار اشتغال به تحصیل بانوان در دانشگاه‌ها در مجموع، ۶۳٪ کل دانشجویان (ایرنا، ۸۴/۱۲/۱) و قبولی زنان در سال‌های اخیر ورودی به حدود ۶۵ الی ۷۰٪ کل دانشجویان رسیده است که این آمار گرچه به نظر ابتدایی، رشد علمی بانوان و سبقت آنان را گزارش می‌دهد و به نظر ناشیانه بعضی از مدیران ارشد، یک فرصت است نه تهدید؛ و لیکن فی‌الواقع با یک نظر کارشناسی همه‌جانبه و دقیق و عمیق، یک تهدید جدی برای امنیت ملی و برای شکل‌گیری و حفظ کیان خانواده است؛ چرا که یکی از پیامدهای عملیاتی آمار مذکور، فقدان شوهران هم‌تا در آینده نزدیک، برای بیش از ۳۰٪ بانوان تحصیل‌کرده در سطوح عالی می‌باشد؛ و این پدیده، به معنی شکل‌گیری بحران هول‌انگیز و بن بست تکان‌دهنده اختلال در امر ازدواج، برای این قشر از بانوان خواهد بود.

چرا که، یا باید تن به ازدواج‌های ناهمگون دهند که بر فرض تداوم، چالش‌ها و تنش‌های بسیاری در زندگی مشترک را خواهد داشت و آلا سر از جدایی در خواهد



۱۳۳ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

آورد که خود آسیب‌های روانی فراوانی را بر زن و شوهر خصوصاً زنان وارد خواهد ساخت و یا اینکه اصلاً تن به ازدواج ندهند و مجرد در زندگی را پیشه کنند؛ که این امر نیز، نه از نظر نیاز طبیعی انسانی این زنان و نه از نظر امنیت اجتماعی، قابل تحمل نخواهد بود. عجب شرایط تناقض‌گونه و پارادوکسیکالی را برای زنان فراهم کرده‌ایم، هرچه پیشرفت تحصیلی آنان افزایش می‌یابد، زمینه محرومیت انسانی‌شان از تشکیل خانواده سالم بیشتری شود؛ چرا این‌گونه است؟! و اشکال کار کجاست؟! و چرا اساساً در هیچ کشور داعیه‌دار تساوی مطلق زنان و مردان در محیط خانواده و اجتماع این چنین نسبتی فاحش در تحصیلات را میان زنان و مردان مشاهده نمی‌کنیم؟

بعضی از علل عقب افتادگی تحصیلی پسران به قرار ذیل است:

۱. سوءتدبیر مدیران ارشد و میانه نظام در تقنین و اجراء؛
 ۲. تأثر از فشار بین‌المللی ناظر به سپردن شغل مردان به زنان به بهانه حمایت از زنان، در شرایط بیکاری مردان؛
 ۳. عقده تاریخی زنان در عدم نگرش عادلانه به آنان در محیط سنتی خانه پدری و خانه شوهر؛
 ۴. تلاش دختران و زنان برای کسب هویت خانوادگی و اجتماعی از طریق تحصیل و اشتغال در شرایط فراغت خانه پدری و شوهر؛
 ۵. عدم کاربردی کردن مطالبات و حق همسری و مادری زنان؛
 ۶. آفت انگیزه جوانان پسر، بر اثر محدودیت اشتغال و روی آوردن مسئولان به سیاست عجیب تساوی زن و مرد بلکه اولویت زنان در امر اشتغال؛
 ۷. وجود مانع رایج خدمت سربازی در ادامه تحصیل آنان؛
 ۸. عدم آرامش روانی پسران در خانواده برای رسیدن به سن بلوغ و انتظارات روانی خود و خانواده از آنان، در کسب استقلال مالی و علل دیگر.
- به اعتقاد ما، احیای جایگاه زنان در سازمان خانواده و تکریم روانی و اقتصادی‌شان در خانه و اجتماع، نسبت به جایگاه همسری و مادری، و اصلاح سازمان‌دهی تحصیلی و شغلی زن و مرد در اجتماع با الگوی مباحث گذشته، و رفع موانع تحصیلی پسران، تلاش علمی پسران را افزایش داده، رقابت علمی دختران و پسران صورت متعادلی به خود خواهد گرفت؛ و آلا قبل از جوانان پسر می‌بایست این دختران هشیار اولین



معترضان به عقب‌افتادگی پسران از قافله علم و معرفت باشند؛ چرا که این عقب‌افتادگی پسران حق بزرگ تأهل سالم خانم‌ها را در معرض تهدید قرار داده است. علاوه بر آن، طبعاً اشتغال، تابعی از تحصیلات خواهد بود و این پدیده به معنی سپردن اکثر شغل‌ها به بانوان و بیکاری بسیاری پسران در آینده نه چندان دور خواهد بود که این معنی نیز، با عدم تحقق ازدواج، امنیت مالی و ناموسی و خانوادگی جامعه خصوصاً زنان مجرد را به شدت در معرض تهدید قرار خواهد داد و در صورت ازدواج در این شرایط، این بانوان خواهند بود که بایستی بار مضاعف اشتغال اجتماعی و بار همسری و مادری را بر دوش کشند! و این به معنی نوعی بردگی زنان در خدمت به شوهران بیکار و آسیب‌دیده از نظر شخصیت، خواهد بود!

- به نظر اینجانب، مشکل اساسی در امثال این معضلات، اجمالاً محورهای ذیل می‌باشد:
- (۱) «فقدان نگرش حکومت محوری جامع‌نگر به احکام الهی در قرآن و سنت، در سیاست‌گذاری نظام، به امر جوانان، زنان، و خانواده»؛
 - (۲) «فقدان درک مسئولیت و اولویت اجتماعی برای اصلاح امر ازدواج و خانواده»؛
 - (۳) «نگرش غلط ضرورت ازدواج بعد از تحصیلات، خصوصاً برای دختران»، و «اشتغال بعد از تحصیلات برای پسران» در کوتاه مدت؛
 - (۴) فقدان نظام آموزشی اسلامی «هویت محور قبل از بلوغ و شغل محور و خانواده محور بعد از بلوغ برای اکثریت، و علم محور بعد از آن، برای نخبه‌پروری و تولید علم» در درازمدت؛
 - (۵) «گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی و زیاده‌روی در مصرف، خصوصاً ازدواج»؛
 - (۶) «بالا رفتن هزینه لذت حلال، در جامعه متدینین! و در نتیجه، ارزان شدن لذت حرام! در جامعه».
- حال مباحث گذشته براساس «تشکیل و تحکیم خانواده و اثر آن در نظام اجرایی و اداری کشور»، بدین قرار نظام می‌یابد:

۱. عوامل سرنوشت‌ساز و جایگاه خانواده

۱-۱. گروه‌های سرنوشت‌ساز:

چهار گروه در سرنوشت جامعه نقش اساسی دارند: «جوانان، زنان، مدیران، و فقراء»؛ سه گروه اول تا سوم، تولیدکننده و گروه چهارم، مصرف‌کننده‌اند؛ با وجود این، اصلاح امر فقرا، کلید درب رحمت الهی و گره‌گشای امور دیگر فرد و اجتماع می‌باشد.



۱۳۵ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

جوآنان، صاحب انرژی متراکم هر فعالیتی می‌باشند؛ و در عین حال، فقرای آبرومند جامعه هم هستند.

۱-۲. مثلث اوجب واجبات:

سه امر، مثلث اوجب واجبات را تشکیل می‌دهند: «حفظ نظام، حفظ دین، حفظ ناموس». بر هر کدام صدمه وارد شود، دوتای دیگر را در معرض خطر قرار می‌دهد. از میان این سه، «حفظ ناموس»، پایه «حفظ دین و نظام» است. لذا بیشترین و در عین حال، کم‌هزینه‌ترین تلاش دشمن، صدمه ناموسی به جامعه است؛ چراکه بیشترین غفلت ما نیز در «حفظ ناموس» است!

مهم‌ترین عامل «حفظ ناموس»، «تشکیل و تحکیم خانواده سالم» است که بایستی، به‌عنوان چشم‌انداز نظام، در این حوزه مد نظر قرار گیرد.

۱-۳. خانواده سالم و شرط تأهل:

«جامعه سالم، حاصل مجموعه خانواده‌های سالم است»؛ پس خانواده سالم، محور توسعه و پیشرفت و بلکه رشد جامعه در هر زمینه، از جمله تولید علم و جنبش نرم‌افزاری است؛ و لذا بایستی، محور سیاست‌گذاری‌های نظام قرار گیرد. انسان بدون خانواده، در دو صورت فقدان نسب (ولد الزنا)، و فقدان همسر (زیست مجردی)، فاقد هویت سالم است؛ و لذا، اسلام شدیداً با هر دو مبارزه می‌کند؛ پس «پاک‌نهادی و تأهل»، دو شرط اساسی و حداقل هرگونه فعالیت سالم علمی-فرهنگی، اجتماعی-سیاسی، اقتصادی-اداری و غیره است.

۱-۴. وجوب اجتماعی ازدواج:

ازدواج از نظر فردی، مستحب اکید است؛ لیکن از جهت اجتماعی، واجب است؛ چراکه، عدم تأهل اکثریت جامعه، قطعاً موجب فساد و تباهی جامعه است. پس تشکیل و تحکیم خانواده سالم، از وظائف اجتماعی اولیه و قطعی امت مؤمن و حکومت اسلامی است:

۲. الزامات تشکیل و تحکیم خانواده

۲-۱. الزامات فرهنگی و شغلی

۲-۱-۱. شش الزام فرهنگی و اقتصادی:

تشکیل و تحکیم خانواده سالم، حداقل، به سه ضرورت فرهنگی «آموزش و مشاوره مستمر (قبل، حین و بعد از ازدواج) و همسر یابی»، و به سه ضرورت اقتصادی



«مسکن، حداقل وسائل زندگی، و حداقل درآمد ماهیانه از طریق اشتغال و یا بیمه بیکاری»، وابسته است.

۲-۱-۲. شأن همسری و مادری زنان و اولویت اشتغال اجتماعی:

«زن، محور سلامت خانواده، در دو شأن بلکه دو شغل همسری و مادری» است. پس، زنان با ازدواج شاغل می‌شوند! حال آنکه، مردان با ازدواج نیازمند اشتغال اجتماعی می‌باشند. بنابراین، اشتغال اجتماعی برای مردان، شغل اول و برای زنان، شغل سوم محسوب می‌شود؛ پس، اولویت اشتغال اجتماعی با مردان خواهد بود. از طرفی، زنان، علاوه بر نفقه از حق همسری و مادری نیز بایستی برخوردار شوند؛ چرا که تمام شأن مادری، و بسیاری از شأن همسری آنان واجب فقهی آنان نیست و لیکن ضرورت اخلاقی الزامی برای بانوان دارد؛ چرا که بدون آن، کانون خانواده از هم خواهد پاشید؛ در نتیجه ضرورت دارد: این تکلیف اخلاقی در جریان زندگی (در صورت وسع، و یا عند الاستطاعه)، تکریم و جبران روانی و اقتصادی شود؛ دستورالعمل این تکریم بدین قرار پیشنهاد می‌گردد:

۱. تدوین قوانین و تخصیص بودجه جهت فرهنگ‌سازی و تکریم روانی همسران شایسته و مادران فداکار در جامعه.

۲. تدوین حداقل حقوق همسری و مادری زنان، فراتر از نفقه که به نظر میرسد ۱/۲ حداقل حقوق پایه، مبنای اولیه پرداخت حق همسری از جانب شوهران قرار گیرد؛ و در ادامه، با تدبیر پرداخت حقوق مناسب به شاغلین متأهل مرد، تمام حقوق حداقل پایه، جهت حداقل حق همسری و مادری با وجود دو فرزند توسط شوهران ملحوظ گردد.

۳. ایجاد صندوق ذخیره حق همسری و مادری زنان:

الف- جهت پرداخت مابه‌التفاوت این حقوق در صورت عدم توان کافی شوهران و یا پرداخت تمام این حقوق در صورت فقدان توان شوهران.

ب- حمایت ویژه بهداشتی، پزشکی و تغذیه، در دوران بارداری، شیردهی و حضانت فرزند تا ۷ سالگی (مرحله اول از حساس‌ترین دوران رشد انسان).

باید توجه داشت که در تعامل خانوادگی از نظر اسلام، گرچه کفه توصیه‌های اخلاقی سنگین‌تر از الزامات فقهی حقوقی است، لیکن از ایجاد رضایت‌مندی ناشی از پاداش مالی نباید غفلت نمود.



جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی ▶ ۱۳۷

با این دید، با تکریم روانی زنان در خانه و اجتماع، همچون جشنواره‌های همسران و مادران موقّق و فداکار، و با پاداش حداقل اقتصادی، به‌عنوان دو عامل از عوامل بسترساز نهادینه شدن تأهل و استحکام خانواده، امر ارزشمند و متعالی تشکیل خانواده سالم در جامعه، تحقق می‌پذیرد.

پس، با این جبران نیز، اولویت اشتغال اجتماعی برای مردان مورد تأکید خواهد بود. ۲-۱-۳. بدهی مردان و اولویت اشتغال اجتماعی: زنان، با ازدواج، طلب‌کار و صاحب ثروت می‌شوند؛ و مردان، بدهکار؛ زن بیکار، فرصت ازدواج دارد؛ در حالی که مرد بیکار، امکان ازدواج را از دست می‌دهد!

با توجه به این مطلب نیز اولویت اشتغال با مردان خواهد بود.

۲-۱-۴. نحوه بهره‌مندی از درآمد و اولویت در اشتغال: از اشتغال زنان، چه قبل از ازدواج و چه بعد از ازدواج، مردان ضرر یا بهره‌ای نمی‌برند و در صورت بهره‌مندی، بدهکار زنان خواهند بود.

حال آنکه، با اشتغال مردان، زنان بدون بدهکاری و بی‌منت و با عزت و سر بلندی، خصوصاً، با شأن همسری و مادری، از ثروت مردان بهره‌مند می‌شوند. از این جهت نیز اولاً، اولویت اشتغال با مردان خواهد بود و ثانیاً، ضرورت دارد حق عائله‌مندی مردان (حق همسری، حق اولاد و حق مسکن) معنادار (بیش از ۳۰۰ هزار تومان) پرداخت گردد و الا میزان پرداخت کنونی، در حد میانگین ۵۰ هزار تومان!، نوعی اهانت به امر تأهل است و ظلم به مردان متأهل می‌باشد! که از نظام طاغوت به ارث رسیده است؛ و براساس تفکر فمینیستی ضد خانواده و اصالت تجرد در نظام اداری مقرر گردیده است.

۲-۱-۵. حوزه‌های اشتغال اجتماعی و اولویت‌ها: با توجه به ارباب رجوع و مشتریان، سه حوزه اشتغال اجتماعی مطرح است: «حوزه مختص زنان و مختص مردان (همچون تعلیم و تربیت، مشاوره، بهداشت و درمان)، و حوزه عمومی».

اولویت اشتغال در «حوزه مختص»، شرعاً و عقلاً، مخصوص هم‌صنفان زن و مرد می‌باشد. لیکن، در شرایط محدودیت اشتغال، اولویت قطعی اشتغال، با توجه به بند ۹ تا ۱۱، در «حوزه عمومی»، با مردان خواهد بود تا که خانواده شکل گیرد و سامان یابد؛ حال آنکه، با کمال تأسف، سیاست‌گذاری‌های فعلی نظام، این چنین نیست.

۲-۱-۶. ساختار شخصیتی زنان و اشتغال: زنان از سه جهت، از مردان متمایزند: ویژگی جسمی، روانی، و جسمی-روانی.



۱-۶-۱-۲. ویژگی جسمی زنان و اشتغال: از «حیث جسمی»، از دو ویژگی «ظرافت جسمی و جذابیت ظاهری»، برخوردارند. «ظرافت جسمی» با کارهای سنگین مانند: نظامی‌گری، رانندگی ماشین‌های سنگین، کار معدن، ورزش حرفه‌ای رزمی، و ورزش حرفه‌ای سنگین، باربری و غیره منافات دارد: «المرأة ریحانة لیست بقهرمانة» (نهج البلاغه). «جذابیت ظاهری زنان»، با مرجعیت شغلی زنان برای ارباب رجوع مرد، بحکم رهنمود الهی «فإذا سئلتموهن متاعا فسئلوهن من وراء حجاب» (احزاب، آیه ۵۳) منافات دارد و لو زنان، معصومه باشند! (نفی نبوت برای زنان، ولو مریم (ع) باشد، و فقدان امامت، و لو فاطمه (ع) باشد).

عدم رعایت این حکم الهی، آسیب اخلاقی را در بر خواهد داشت: «ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن» (همان).

پس شغل‌هایی همانند: منشی‌گری زنان برای مردان، مواجهه مستمر با مردان در شغل‌های عمومی، با این حکم الهی منافات دارد.

۱-۶-۲. ویژگی روانی زنان و اشتغال: از «حیث روانی»، از سه ویژگی «تخیل قوی‌تر»، «عاطفه سرشارتر»، و «حساسیت روحی شدیدتر»، برخوردارند؛ و از طرفی «محور آرامش و امنیت خانواده» می‌باشند: «لتسکنوا إلیها» (روم، آیه ۲۲). پس محیط شغلی تشنج‌آفرین عمومی، همچون نظامی‌گری، قضاوت، و کالت، آتش‌نشانی، و غیره، با این شئونات زنانه، منافات دارد. امثال قضاوت زنان، اختصاص به دوره امام زمان (ع) «عجل الله تعالی فرجه» دارد؛ که از محیط تشنج و حضور و تخطب بدور بوده، قضاوت به باطن، و در فضای مجازی، صورت می‌گیرد: «المرأة تجلس فی بیتها تقضی بکتاب الله و سنة نبیه». حال آنکه متأسفانه قاضی تحقیق زن از متخلفین مرد، بلکه مأمور ناظر اجرای احکام برای مردان در مملکت اسلامی، تعریف شده است! تا چه رسد به موارد دیگر.

۱-۶-۳. ویژگی جسمی-روانی زنان و اشتغال: از حیث «جسمی-روانی»، از چهار ویژگی «سن بلوغ زودتر»، «امکانات مادری»، «ایام ماهانه»، و «یائسگی»، برخوردارند. ویژگی اول، ضرورت لحاظ جنسیت و مقاطع رشد در امر آموزش، و تسریع در زمان مناسب تأهل (حداکثر ۱۸ سالگی) را تذکر می‌دهد.

ویژگی دوم، ضرورت کناره‌گیری زنان از محیط اشتغال اجتماعی، در دوره ۳۳ ماهه بارداری و شیردهی (لااقل در دوره دو ساله شیردهی)، را مطرح می‌نماید. و در عوض، زنان، نیازمند حمایت ویژه پزشکی، تغذیه جسمی، روانی و معنوی دینی هستند.



جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی ▶ ۱۳۹

ویژگی سوم، تقلیل فشار کاری را در ایام ماهانه، تذکر می‌دهد؛ به ویژه، شغل‌های سنگین از این جهت نیز برای نوع زنان سم مهلك است.

حال آنکه شغل همسری و مادری نیز، اقتضای تقلیل ساعات کاری اجتماعی را دارد. ویژگی چهارم، «یائسگی» دوره پختگی زنان است؛ و از این لحاظ امثال مشاورت مدیریت در امور زنان، به شرط تجربه سالم تأهل، و استمرار همسری و مادری! با این دوره سازگاری بیشتری دارد و نکات دیگری که بحث از آن اقتضای دیگری می‌طلبد. ۲-۱-۷. ساعات اشتغال خانگی زنان: یک زن تازه عروس، به طور متوسط هفته‌ای ۴۴ ساعت در منزل اشتغال دارد و با یک فرزند، این مدت، به ۶۴ ساعت، افزایش می‌یابد؛ که ۱/۵ برابر ساعت اشتغال رسمی مردان در اجتماع می‌باشد.

۲-۱-۸. میزان اشتغال اجتماعی زنان: با توجه به شرط تأهل در فعالیت اجتماعی افراد و با توجه به شغل همسری و مادری زنان و میزان ساعات اشتغال خانگی فوق و با توجه به اینکه ضرورت دارد حق همسری و مادری زنان بر عهده شوهران (و لو عند الاستطاعه، و در صورت ناتوانی، بر عهده بیت‌المال) تعریف شود، با این توجهات، ضرورت دارد:

ساعات اشتغال زنان در جامعه، در حوزه مختص خویش، به یک سوم تقلیل یابد تا از یک طرف، فرصت مناسبی برای اصلاح امور همسری و مادریشان فراهم گردد؛ و از طرف دیگر، تعداد بانوان شاغل را در حوزه مختص خویش، حداقل، تا سه برابر افزایش دهد. این تدبیر، موجب توزیع هر چه عادلانه‌تر ثروت میان بانوان نیز، می‌گردد. چرا که هم، تمام زنان از ثروت مردان، در قالب نفقه، حق همسری و حق مادری، برخوردار خواهند گشت و هم، عده بی‌شماری از آنان، از فرصت ابراز وجود اجتماعی درآمدزا، در صورت تمایل و نیاز جامعه، بهره‌مند خواهند شد.

۲-۱-۹. آمار طلاق و تدبیرها: طبق آمار رسمی، کمتر از ۱۷٪ ازدواج‌ها در شهرستان‌ها، ۲۰٪ آن در مراکز استان‌ها و در تهران و بیش از ۲۵٪ آن در شمیرانات، منجر به طلاق می‌شود! این آمار نشان می‌دهد:

بیش از ۵۰٪ عوامل فرهنگی و کمتر از ۵۰٪ عوامل اقتصادی در بروز طلاق نقش آفرینند. این معنی، در کنار تدابیر اقتصادی، تدابیر فرهنگی را نیز طلب می‌کند. از جمله، تکلیف ارائه الگوی ساده‌زیستی در قول و عمل برای سلسله مراتب مدیریت نظام می‌باشد و بایستی شرط الزامی احراز پست‌ها تلقی گردد؛ همان‌گونه که سیره قولی و عملی امیر مؤمنان (ع) در برخورد با عثمان بن حنیف، تذکر می‌دهد.



والا، یکی از ریشه‌های عمدهٔ تجمل‌گرایی و بالا رفتن توقعات و پایین آمدن آستانهٔ تحمل یکدیگر در کانون خانواده، از تجمل‌گرایی و سلوک دنیاطلبانه و بد اخلاقی‌های مسئولان کشور، ناشی می‌گردد؛ و بدون ارائهٔ الگو، در جامعه برطرف شدنی نیست.

۲-۲. الزامات آموزشی

۲-۲-۱. جنسیت و گرایش‌های تحصیلی: اشتغال، نوعاً محتاج دانش و مهارت است. لذا جهت‌گیری جنسیتی، با توجه به بند ۱۲، بایستی در سیاست‌گذاری تعلیمات آموزش و پرورش و جذب دانشجو در گرایش‌های مختلف، اعمال شود. حال آنکه این چنین نیست و در نتیجه، حضور زنان در گرایش‌های مهندسی معدن، عمران و غیره فراوان مشاهده می‌شود.

حال آنکه در رشتهٔ الهیات، علوم تربیتی و مشاوره، و بهداشت و درمان، به زنان، خصوصاً در دو محور اخیر، نیاز فراوان، وجود دارد؛ که تاکنون پر نشده است؛ لذا ضرورت دارد:

در سیاست جذب دانشجو، با توجه به ضرورت‌های عقلی و شرعی در جامعه، تجدیدنظر و اصلاح صورت گیرد.

۲-۲-۲. تحصیلات خانم‌ها و ازدواج: نزدیک به دو سوم دانشجویان دانشگاه‌ها را خانم‌ها تشکیل می‌دهند. این معنی در آیندهٔ مملکت، موجب خطرات و بحران‌های امنیتی اخلاقی روانی فراوانی خواهد شد. چرا که از یک طرف، ۱/۳ خانم‌های تحصیل کرده، از همسر همتای در تحصیلات، محروم خواهند بود. این مطلب، موجب اختلال در امر همسریابی، و تشکیل خانواده، خواهد شد؛ و در نتیجه، خطرات امنیتی و ناموسی را به دنبال خواهد آورد. در صورت تشکیل خانواده، در جریان تدبیرها و تصمیمات زندگی، به جهت قوامیت و سرپرستی مرد، موجبات تنش و تعارض را با شوهران فراهم خواهد ساخت.

از طرف دیگر، با کمبود تحصیل‌کردگان مرد، حوزه‌های مختلف اشتغال، بایستی به زنان سپرده شود. این معنی نیز، علاوه بر مشکلات فوق، در صورت تشکیل خانواده، موجبات تن‌پروری و بی‌شخصیتی شوهران بیکار و بیگاری مضاعف زنان، هم در نان‌آوری خانه و هم در عهده‌داری شأن همسری و خصوصاً مادری، خواهد شد.

این وضعیت، در نهایت، مسیر زندگی متأهلی را به گسست و جدایی خواهد کشاند و مجدداً، زنجیره آسیب‌های مضاعف را در پی خواهد آورد.



۱۴۱ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

۳-۲-۲. آموزش و پرورش، جنسیت و مراحل رشد: در سند چشم‌انداز و سیاست‌گذاری نظام آموزش و پرورش نیز، از مقوله جنسیت، هدف‌گذاری‌های کلان اسلامی در مقطع‌بندی تحصیلی و تعیین منطقی و شرعی مقاطع تحصیلی با توجه به سه مرحله «سیادت و فرماندهی»، «اطاعت و فرمانبری»، و «وزارت و مشارکت اجتماعی»، غفلت اساسی صورت گرفته است.

از این رو، چهار مقطع سه ساله (از آغاز ۶ سالگی تا پایان ۱۷ سالگی) تعریف نموده است؛ بدون آنکه به جنسیت و هدف‌گذاری دینی مندرج در منابع دینی، و به «دوره سیادت»، (که خود شرعاً یک مقطع تحصیلی با ویژگی‌های خاص خود می‌باشد: «اطلبوا العلم من المهد الی الحد»)، توجه شود. سه مقطع هفت ساله «سیادت، اطاعت، و وزارت»، ناظر به پسران می‌باشد. در مورد دختران، با توجه به ویژگی ۶ سال تمام که بنا بر منابع شرعی، دختران را وارد مقطع جدیدی می‌نماید، سه دوره ۶ ساله، مقاطع تحصیلی آنان را تشکیل می‌دهد.

۴-۲-۲. هویت معنوی و آموزش قرآن محور در دوره سیادت و اطاعت: «دوره سیادت و اطاعت»، به بلوغ طبیعی دختر و پسر، سن تکلیف، ختم می‌شود؛ که این خود، همان «دوره هویت محوری» می‌باشد.

در این دو دوره، بایستی آموزش‌ها در این راستا، بر محور «موسیقی و متن قرآن» خصوصاً «قصص و آخرت»، که جمعاً بیش از نیمی از قرآن را در برمی‌گیرند، شکل گیرد. چراکه «موسیقی معنوی قرآن»، نیاز فطرت سالم، و پناهگاه روانی انسان‌ها، خصوصاً نوجوانان و جوانان است؛ و «قصص و آخرت»، نیز، شامل تربیت الگویی، و ارائه باز خورد اعمال خوب و بد در قلمرو دنیا و آخرت و تجربیات و عبرت‌ها، برای زندگی کنونی جامعه، خصوصاً جوانان، می‌باشد.

۵-۲-۲. آموزش شغل و خانواده محوری در دوره وزارت و مشارکت: در «دوره وزارت»، که به ۱۸ سالگی دختران و ۲۱ سالگی پسران ختم می‌شود، «شغل محوری و خانواده محوری»، اساس آموزش‌ها را تشکیل می‌دهد.

هدف این دوره، طبعاً تربیت تکنیسین در ضرورت‌های مختلف جامعه و خانواده است؛ تا که با اتمام این دوره، جوانان صلاحیت اشتغال مناسب و تشکیل خانواده را به دست آورند.

اکثریت جوانان (بیش از ۸۰٪) با اتمام این دوره، با هویت دینی و حرفه‌ای مناسب،



وارد بازار کار و زندگی متأهلی خواهند شد؛ حال آنکه در «سند ملی نظام تعلیم و تربیت» این چنین تدبیری، صورت نگرفته است.

۲-۲-۶. علم محوری و تولید علم در دوره چهارم: «دوره علم محوری»، «دوره تربیت نخبگان» خواهد بود (۱۸ تا ۲۴ برای دختران، و ۲۱ تا ۲۸ برای پسران)؛ که گسترش مرزهای دانش و تولید علم را در نظر دارد. این دوره که، طبعاً به نخبگان اختصاص دارد، حداکثر ۲۰٪ جامعه را تشکیل می‌دهد (قانون پارتو، در اینجا قابل دفاع است).

حال آنکه اکنون، بدون هدف درستی، همه دانش‌آموزان را وارد دوره تحصیلات عالی می‌کنیم! که در نتیجه، فرصت سوزی عمر و ثروت و مطالبات ویژه‌ای را برای اکثریت به دنبال دارد؛ که در فردای روزگار، کسی توان پاسخ‌گویی بدان را نخواهد داشت. در این شرایط، نه اشتغال مفیدی شکل می‌گیرد و نه خانواده‌ای سامان می‌یابد؛ بلکه بحران‌های خطرناک اخلاقی دینی و معیشتی فراوانی را به همراه خواهد داشت.

۲-۳. الزامات مسکن

۲-۳-۱. میزان مسکن مورد نیاز: با توجه به تعداد حداقل ۱۴ میلیون دختر و پسر در سن ازدواج، ۷ میلیون مسکن در حال حاضر، صرفاً برای جوانان منتظر ازدواج نیاز است. پس تدبیر کنونی دولت در مسکن مهر با سالی ۴۰۰ هزار مسکن (یک میلیون و ۶۰۰ هزار مسکن در مدت ۴ سال، از سال ۱۳۸۷-۱۳۹۰)، و لو قابل تقدیر است ولیکن، صرفاً ناظر به متأهلین مستاجر سابق است؛ و منتظران ازدواج را در بر نمی‌گیرد.

۲-۳-۲. مدت زمان تأمین مسکن: استمرار روند کنونی ۴۰۰ هزار مسکن در سال، برای ۷ میلیون نیازمند کنونی ازدواج و مسکن، به بیش از ۱۶ سال، زمان نیاز دارد! حال آنکه نه جوانان، منتظر این مدت می‌مانند؛ بلکه بسیاری از خیر ازدواج می‌گذرند؛ و نه آمار مجردان، در این حد متوقف می‌شود.

بلکه، خیل کثیر نوجوانان به سن ازدواج رسیده، در طول ۱۶ سال آینده (افق ۱۴۰۴) به آمار مذکور اضافه خواهد شد!

چنان‌که، آمار ۷ میلیون منتظر ازدواج در سال ۱۳۷۵، (استخراج سازمان ملی جوانان شاخه اصفهان) بر اثر عدم اهتمام جدی در اصلاح ازدواجشان، به ۱۴ میلیون در سال ۱۳۸۵، افزایش یافت! از این میان، در حال حاضر حدود ۳ میلیون نفر از این جوانان



۱۴۳ ► جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی و اداری نظام اسلامی

را دانشجویان تشکیل می‌دهند که فردای روزگار مقدرات این مملکت را در سطوح مختلف به دست خواهند گرفت.

۲-۳-۳. اشتغال و تأمین مسکن: تأمین مسکن، موجب کارآفرینی و اشتغال‌زایی بخشی بزرگ از جامعهٔ جوانان را خواهد شد؛ چراکه بیش از یک‌صد نوع شغل در امر ساختمان‌سازی دخالت دارد؛ البته در این زمینه توجهات دولت قابل تقدیر است و ضرورت دارد با قوت ادامه یابد؛ خصوصاً با کارشناسی و اعلام دولت، در هر ۵۷ متر مربع ساخت و ساز برای بیش از چهار نفر در صنایع بالادستی و فعالیت عمرانی اشتغال‌زایی وجود دارد.

۲-۴. تکلیف امت و مسئولان نظام

با توجه به آمار فوق و با توجه به ضرورت حیاتی حفظ سلامت اخلاقی ناموسی و روانی جوانان و اشتغال‌زایی حاصل از مسکن، بایستی با عزم جدی سرعت بخشی به تأمین مسکن جوانان را در اولویت اول مجلس و دولت، و امت مؤمن تعریف کنیم. در این راستا، از راه تغییر بودجه‌بندی، به تعریف وظائف دولت پرداخته و از راه تبیین تکلیف اجتماعی و اقتصادی امت توسط رهبری معظم و مراجع عظام، مؤمنان به تکلیف حیاتی خویش واقف گشته تا زمینهٔ تشکیل خانواده و حفظ ناموس در جامعه هر چه بیشتر فراهم گردد.

۲-۴-۱. اتاق فکر جوانان، زنان و خانواده: با توجه به اهمیت ویژهٔ مسائل خانواده و سرنوشت جوانان و نقش محوری زنان در تحکیم خانواده، اتاق فکر واحد ویژه «جوانان، زنان و خانواده»، ضرورت حیاتی دارد. جداکردن این سه مقولهٔ جوانان، زنان و خانواده، از یکدیگر، موجب بخشی‌نگری و ناکارآمدی طرح‌ها و برنامه‌ها خواهد بود؛ چنان‌که تاکنون چنین بوده است.

۲-۴-۲. وزارت جوانان، زنان و خانواده: در سطح اجراء نیز، ضرورت دارد مسائل این سه حوزه، در ارتباط با یکدیگر، حل و فصل شود؛ تا از ناهماهنگی‌ها و بخشی‌نگری‌ها در اجراء، پرهیز گردد؛ چنان‌که تاکنون چنین بوده است.

با این توجه، به نظر می‌رسد بایستی «سازمان امور جوانان» و «مرکز امور زنان و خانواده»، به سطح «وزارت امور جوانان و زنان و خانواده» ارتقا یابد تا جدی‌تر و مشخص‌تر براساس عقل و شرع به اولویت در اصلاح امر «جوانان»، «زنان» و «خانواده» همت گمارد.



پدیده «وزارت جوانان و ورزش»، نمونه بارز اولویت‌نشناسی و بخشی‌نگری در امر جوانان و عدم توجه به خانواده است که متأسفانه اخیراً به تصویب مجلس رسیده است.

۲-۴-۳. بسیج عمومی ازدواج: بسیج ازدواج، طبق فرمان الهی، در سوره نور، آیه ۳۲، امری لاجرم و ضروری است و بدون حرکت عموم خانواده‌ها و بدون تشکیل سازمان‌ها و مراکز مردمی ارزشی کارساز نخواهد بود.

طبعاً رسالت تبیین و تعیین تکلیف امت برعهده نظام و حوزه‌های علمیه از رهبری معظم گرفته، تا مراجع عظام، تا ائمه جمعه و جماعت و خطبا در منابر و رسانه‌های جمعی خصوصاً صدا و سیما می‌باشد. صدور حکم رهبری و فتاوی مراجع، زمینه‌ساز این نهضت عظیم است که بعضاً صورت پذیرفته است.

۲-۴-۴. معاونت و اداره کل تشکیل و تحکیم خانواده: رسالت داخلی مراکز فرهنگی اداری نظام، به‌ویژه دانشگاه و حوزه و ارتش و سپاه، در امر «آموزش، مشاوره و همسریابی دانشجویان و طلاب جوان، و نیروهای مسلح» که سکانداران فرهنگی اجرایی و نظامی حکومت اسلامی می‌باشند؛ امری ضروری، و در اولویت است. طبعاً در ساختار فرهنگی این مراکز، وجود «معاونت یا اداره کل تشکیل و تثبیت خانواده»، امری ضروری است. امید آنکه در اصلاح امر «جوانان، زنان و خانواده، در اتاق فکرهای نظام و در ضمن برنامه ۵ ساله پنجم و در اجراء، قدم‌های اساسی و کارسازی منطبق بر ارزش‌های الهی و نیاز زمانه برداشته شود و این پنج سال آینده، دوره تشکیل و تحکیم خانواده سالم و تدوین قوانین و دستورالعمل‌های اجرایی اداری در این راستا تعریف گردد.

پی‌نوشت‌ها

۱. توصیه و رهنمود فراوان اسلام در حفظ کیان خانواده، به حالت اول، در صورت حیات پدر و مادر است و در صورت عدم امکان، به‌سبب مرگ یکی از والدین و یا طلاق، تأکید بر تأهل جدید و همراهی فرزندان با یکی از والدین و ارتباط با دیگری به شرط حیات است. حالت سوم، با توجه به تأکید اسلام بر تأهل، مطلوب اسلام نیست و آسیب‌های فراوانی را با خود به همراه دارد.

حالت چهارم، با حفظ معیارهای فوق، به حداقل موارد رسیده، مکمل حفظ هویت انسانی افراد و سلامت روانی و معنوی آنان خواهد بود.





مدل جایگاه نهاد خانواده در سیاست‌گذاری اجرایی اداری نظام اسلامی

۲. یکی از حکمت‌های این نحوهٔ تشریح احکام، جلوگیری از طغیان و خشونت شوهر به جهت برتری جسمی و صلابت روانی و تحقق تعادل در موازنهٔ قدرت در روابط زن و شوهر بلکه فروتنی شوهر در برابر زن می‌باشد.

منابع:

۱. ایرنا، خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). زن در آینه جمال و جلال. قم، نشر اسراء، ج ۹.
۳. چشم‌انداز بیست‌ساله جمهوری اسلامی ایران / در افق ۱۴۰۴ هـ.ش صوب ۱۳/۸/۱۳۸۲ هـ.ش. سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۴. حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۵.
۵. روزنامهٔ رسمی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸). اصلاحات و تغییرات و متمیم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۵/۶ هـ.ش، ش ۱۲۹۵۷.



۱۴۶ ◀ کتاب اندیشه‌های راهبردی، زن و خانواده

۶. سیاست‌های کلی برنامه چهارم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۱/۹/۱۳۸۲ ق. سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
۷. سیف، سوسن (۱۳۶۸). *تئوری رشد خانواده*. تهران، نشر دانشگاه الزهراء، ج ۱.
۸. سیوطی، جلال‌الدین (۱۴۰۳ ق). *الدر المنثور*. بیروت، دارالفکر.
۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۴ ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت، نشر اعلمی، ج ۳.
۱۰. عسقلانی، ابن حجر (۱۳۹۰). *لسان‌المیزان*. بیروت، نشر اعلمی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). *الکافی*. تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۳.
۱۲. متقی هندی، علاء‌الدین (۱۴۰۹ ق). *کنز العمال*. بیروت، مؤسسة الرساله.
۱۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق). *بحار الأنوار*. بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۲.
۱۴. مجمع عمومی سازمان ملل متحد (۱۳۸۲). *کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان مصوب ۱۸ دسامبر ۱۹۷۹ م*. قم، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ و دیگران (۱۳۶۴). *تفسیر نمونه*. تهران، دارالکتب الإسلامیه، ج ۱۷.
۱۶. مورگان، مارابل (۱۳۸۳). *زن کامل*. ترجمه پریسا علی‌نیا، تهران، نشر خجسته، ج ۵.
۱۷. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ ق). *مستدرک الوسائل*. بیروت، نشر آل البيت لاحیاء التراث، ج ۲.
۱۸. *نهج‌البلاغه* (۱۹۸۰ م). گردآورنده سید رضی، بیروت، دارالکتب اللبنانی، ج ۱.

